

## قرآن در وصیت‌نامه امام خمینی (ره)

دکتر ابوالفضل خوش‌منش

### چکیده

وصیت‌نامه حضرت امام خمینی مشحون از معارف قرآنی است و در آن به طور صریح یا به طریق اشاره به آیاتی از قرآن استناد شده است؛ نظیر نقطه جمع بودن قرآن برای همه مسلمانان بلکه همه انسانها، مبارزه با طاغوت، و در موارد بسیاری نیز به کلمات و تعابیری از قرآن تمثیل جسته شده است؛ مثل: شجره خبیثه، بقیه الله، خاتم النبیین و مفسد فی الارض. همچنین از جایگاه قرآن در جوامع اسلامی و تحذیر از برداشتهای انحرافی و التقاطی از قرآن سخن گفته شده است.

کلید واژه‌ها: وصیت‌نامه، امام خمینی، وحدت، طاغوت، التقاط، تمثلات قرآنی.

### ۱. مقدمه

حضرت امام خمینی (ره) مجدّد و احیاگر معارف اسلام در قرن اخیر، یکی از تربیت شدگان مکتب قرآن کریم است. بزرگترین افتخار او صرف عمری پر برکت در پیروی از مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی را که سراسر از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستان‌ها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخه نجات دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و عقل و قلب او پیچیده است و

او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشانند نجات دهد.

امام (ره) خود از چشمهٔ آب حیات قرآنی نوشیده و شمه‌ای از آنچه چشیده برای نسل‌ها و عصر‌ها باز گفته است. همچنان که پس از حیات خاکی خویش، وصیت نامه‌ای سراسر نور و حکمت قرآنی را فراراه پویندگان راه خویش قرار داده است. این مقال می‌کوشد بخشی از ابعاد تأثیر عینی قرآن را در این سند مستحکم بررسی کند.

## ۲. قرآن کریم «نقطهٔ جمع همهٔ مسلمانان بلکه عائله بشری»<sup>[۱]</sup>

در این زمینه توجه به آن چه در دو سورهٔ مؤمنون و شوری آمده، مناسب است. خدای تعالی در سورهٔ مؤمنون فرموده است:

«يا ايها الرسل كلوا من الطيبات واعملوا صالحا إني بما تعملون عليم وان هذه امتكم أمة واحدة واناريكم فاتقون» [مؤمنون، ۵۱ و ۵۲].<sup>(۱)</sup>

از آیهٔ اخیر و آیه‌ای دیگر که نظیر آن است و خواهد آمد، معمولاً در مواردی نظیر وحدت بین شیعه و سنی استفاده می‌شود؛ لکن قرآن کریم این ندای وحدت را پس از ذکر سرگذشت نوح [مؤمنون، ۲۳] و پیامبری دیگر پس از وی بدون تصریح به نام او [مؤمنون، ۳۲] و پیامبرانی دیگر مانند [مؤمنون، ۴۴] موسی و هارون [مؤمنون، ۴۵] و فرزند مریم [مؤمنون، ۵۰] و خطاب به همه رسل می‌آورد. همچنان که در سورهٔ انبیاء پس از ذکر سرگذشت‌هایی از رسول گرامی اسلام ﷺ [انبیاء، ۳ به بعد] و عموم قریه‌های دیگر [انبیاء، ۱۱] و موسی و هارون [انبیاء، ۴۸]، ابراهیم [انبیاء، ۵۱]، لوط [انبیاء، ۷۱]، اسحاق و یعقوب [انبیاء، ۷۲]، نوح [انبیاء، ۷۶]، داوود و سلیمان [انبیاء، ۷۸]، ایوب [انبیاء، ۸۳]، اسماعیل و ادريس و ذالكفل [انبیاء، ۸۵]، ذالنون [انبیاء، ۸۷]، ذکر یا [انبیاء، ۸۹]، یحیی [انبیاء، ۹۰] و مریم [انبیاء، ۹۱] می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَاَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» [انبیاء، ۹۲] و در نهایت مهر ختم این سلسلهٔ طولانی، ذکر خاتم رسولان و خطابی به اوست که: «وما

۱. ای فرستادگان، از پاکیزه‌ها بخورید و عمل صالح انجام دهید. من به آن چه می‌کنید دانایم و در حقیقت این امت شماست که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم، پس در برابر من تقوا داشته باشید.

أرسلناك الآرحة للعالمين» [انبیاء، ۱۰۷] این رحمت فراگیر، در برگیرنده تمامی عالمیان است؛ چنان که در هفتمین سوره درباره کتاب وی به تمامی اهل عالم می‌فرماید: «و هذا ذکرٌ مبارک انزلناه أفانتم له منکرون» [انبیاء، ۵۰].<sup>(۱)</sup>

قرآن کریم در این سوره‌ها و سوره‌هایی دیگر [نظیر، شوری، ۱۲] نقطه جمع بودن خود را نه تنها برای مسلمانان بلکه به فرموده حضرت امام (ره) برای عائله بشری نشان می‌دهد.

### ۳. ارزیابی امام (ره) از جایگاه قرآن در جوامع اسلامی

حضرت امام در این زمینه به نکات ذیل توجه داده است:

- ۱- کشیده شدن قرآن به گورستان‌ها: حضرت امام (ره) ضمن اشاره‌ای گذرا به آنچه پس از شهادت حضرت علی علیه السلام، بر قرآن رفته مهجوریت قرآن را در زمان معاصر یاد آور می‌شود که به گورستان‌ها و مقبره‌ها کشانیده شده است و افتخار او و امت او - چنان که اشاره شد - به صحنه حیات آوردن اوست.
  - ۲- چاپ و توزیع قرآن توسط طواغیت: حضرت امام (ره) موضوع مهم دیگری را نیز در نظر قرار داده که عبارت از چاپ توزیع مصحف توسط حاکمان جور و با صرف هزینه‌های گزاف از محل بیت المال مسلمین جهت نمایش‌های تبلیغاتی است و از این بین به محمد رضا پهلوی و بعضی شیوخ عرب اشاره می‌فرماید.
- باید گفت این گونه اعمال به دو شخصی که امام (ره) در وصیت نامه ذکر می‌کند، اختصاص ندارد و مقصد امام نیز تعیین جایگاه قرآن مهجور در جوامع اسلامی فعلی است؛ نه احصای اشخاص.
- امروزه مصاحف گوناگون توسط احکام و سلاطین جور در بیشتر کشور های عربی و اسلامی و صد البته با نام و نشان آنان بر روی جلد یا صفحه آغازین آن چاپ و توزیع می‌شود.

۱. و این ذکری است مبارک که فرو فرستاده‌ایم، آیا آن را منکرید؟!.

برگزاری مسابقات پرطمطراق و بی محتوانی قرآنی و تخصیص جایزه های چشم پرکن چند ده هزار دلاری برای شرکت کنندگانی محدود و اغلب تکراری در برخی از این کشورها، تلاشی دیگر از همین باب جهت کسب مشروعیت مذهبی و مقبولیت مردمی است.

#### ۴. مبارزه با طاغوت و افشای آن

در وصیت نامه حضرت امام (ره) بارها لفظ طاغوت، طواغیت، طاغوتیان و... به کار رفته است. نامیدن حکومت های غیر الهی به طاغوت از مبادی فقه سیاسی امام (ره) و آن نیز منبعث از قرآن کریم است. چنان که می بینیم حضرت ایشان در درس «حکومت اسلامی» خود به این موضوع اشاره و مقبوله عمر بن حنظله را نقل می کند و آن را مورد توجه قرار می دهد.

عمر بن حنظله می گوید: «از امام صادق علیه السلام درباره دو نفر از دوستان (یعنی شیعه) که نزاعی در مورد قرض یا میراث بینشان بود و به قضات (تحت نظر دستگاه خلافت) برای رسیدگی مراجعه کردند، سؤال کردم که آیا چنین مراجعه ای رواست. امام فرمود: هر که در مورد دعاوی حق یا دعاوی ناحق به ایشان مراجعه کند و هر آنچه را در مورد وی حکم کرده شده بگیرد، اگر حق ثابت وی نیز باشد، سُحت و حرام خواهد بود. زیرا آن را به حکم طاغوتی گرفته که خدای تعالی امر فرموده است که به آن کفر ورزیده شود: «یریدون ان یتحاكموا الی الطاغوت وقد أمروا ان یکفروا به»<sup>(۱)</sup> [تساء، ۶۰] تا پایان حدیث [۲].

نکته دقیق تر این که حضرت امام (ره) در وصیت نامه غیر از طواغیت، «از آخوند های خبیث تر از طاغوتیان» یاد می کند [۳]. همان گونه که قرآن کریم بر نقش دلالان مظلومه های طواغیت تصریح و تاکید می کند و از آنان با تعبیری همچون «جبت» و «ملاً» یاد می کند. نقش ملاً در سوره اعراف در فتنه گری و حتی تحریک

۱. می خواهند طاغوت را حاکم میان خویش قرار دهند حال آن که امر شده بودند بدان کفر بورزند.

طاغوت بزرگ، بسیار بارز است:

قال الملأ من قوم فرعون إن هذا لساحرٌ عليم<sup>(۱)</sup> [اعراف، ۱۰۹] وقال الملأ من قوم فرعون أتذر موسى وقومه ليفسدوا في الأرض ويذرك وآلهتك قال سئقتل أبناءهم ونستحيي نساءهم وإنا فوقهم قاهرون<sup>(۲)</sup> [اعراف، ۱۲۷].

به گفته راعب «ملأ» عبارت از جماعتی چشم پرکن است که اتفاق نظر پیدا می کنند و این جماعت می تواند متشکل اصناف گوناگون باشد و اگر در ملأ طاغوت، «آخوند» یافت شود، به دلیل نقش و اثر خود می توانند برتر از طواغیت باشند. از قضا در آیه ۱۲۷ نیز این ملأ غصه دار امر دین و فساد در زمین و عبادت آلهه هستند و بر اثر تحریک آنان است که فرعون و عده خونریزی می دهد.

امام (ره) در عین حال از روحانیونی که بازی سیاست بازان را خورده [۴] و نیز از «آخوند‌های بی اطلاع از مصالح مسلمین» [۵] و نیز روحانی نمایانی که گمان ندارد موفق به توبه شوند یاد می کند [۶]. البته در مواضع متعدد دیگر خدمات روحانیون اصیل و متعهد را می ستایده و از «مرحوم مدرس آن روحانی متعهد، پاک سیرت و پاک اندیشه» تجلیل می کند [۷] و نیز بر جدایی روحانیون از دانشگاهیان بیم می دهد.

## ۵. دغدغه حضرت امام از برداشت‌های ناشیانه و التقاطی از قرآن

امام خمینی در قسمتی از وصیت نامه می نویسد: «بعضی کج فهمان بی اطلاع از رژیم حکومت اسلامی و از مسائل سیاسی حاکم در گفتار و نوشتار خود طوری وانمود کرده اند - و باز هم دست برنداشته اند - که اسلام طرفدار بی مرز و حد سرمایه داری و مالکیت است و با این شیوه که با فهم کج خویش از اسلام برداشت نموده اند چهره نورانی اسلام را پوشانیده و راه را برای مغرضان و دشمنان اسلام باز نموده که به

۱. «ملأ» قوم فرعون گفتند: بی شک این ساحری کاردان است.

۲. و «ملأ» قوم فرعون گفتند: آیا موسی و قومش را و می گذاری تا در زمین فساد کنند و [آنان نیز] تو و خدایانت را واگذارند؟ گفت: به زودی پسرانشان را می کشیم و زنانشان را زنده می گذاریم و ما بر آنان غالب [و قاهریم].

اسلام بتازند [...] یک دسته با کج فهمی‌ها و بی‌اطلاعی از اسلام و اقتصاد سالم آن در طرف مقابل دسته اول قرار گرفته و گاهی با تمسک، به بعضی آیات یا جملات نهج البلاغه، اسلام را موافق با مکتب‌های انحرافی مارکس و امثال او معرفی نموده‌اند و توجه به سایر آیات و فقرات نهج البلاغه ننموده‌اند<sup>[۸]</sup>.

از دیدگاه حضرت امام (ره)، عمل این گونه افراد، از باب «نؤمن ببعض و نکفر ببعض»<sup>(۱)</sup> [نساء، ۱۵۰] و یادست کم نداشتن روش تدبری و فهم قرآن به قرآن است که تنها راه فهم صحیح قرآن کریم می‌باشد [۹].

## ۶. بهره‌گیری امام از تعابیر قرآنی

خدای تعالی معانی ملکوتی و ازلی و ابدی را لباس بیان پوشانیده و کاخی عظیم و گزند نیافتنی را با مصالحتی معین پی افکنده است. این مصالحت صرفاً عبارت از حروف عربی و کلمات زبان عربی مصطلح نیست، بلکه آنچه این توانایی را به این زبان بخشیده نحوه ترکیب و ارتباط متقابل هزاران لفظ و عبارت و آیه با یکدیگر است؛ همان گونه که در یک بنای عظیم و برجسته، آن چه تمایز بخش از بناهای دیگر است نحوه ترکیب و کاربرد سنگ و گل و آجر و نه خود آن هاست.

به کارگیری تعابیر قرآنی در حوزه گفتار و نوشتار راه را برای اندیشیدن به این کتاب و باروری و پویایی قلوب در پرتو آن فراهم می‌سازد. به علاوه، تعابیر و مصطلحات قرآنی، توانایی حل مفاهیم وسیع و بلند مورد نیاز بشر را به صورت همه جانبه و فراگیر دارند، در حالی که این توانایی در ترجمه‌ها و معادل‌های دیگر سراغ نمی‌رود.

ترویج و به کارگیری تعابیر قرآنی از یکسو بیانگر میزان تربیت پذیری از مکتب وحی و از سوی دیگر موجب ترویج معارف قرآنی و بارور سازی اندیشه انسان‌ها با بذر الفاظ و تعابیر قرآنی است. چنین چیزی در حال حاضر یکی از واجبات موکد فرهنگی در عرصه کتب، مطبوعات و گفتار است؛ چنان که کمبود آن در معنای

۱. به برخی ایمان می‌آوریم و به برخی دیگر کفر می‌ورزیم.

مطبوعاتی، نوشتاری و فرهنگی کشور احساس می‌شود. از این رو با این نگرش، برخی تعابیر و اصطلاحات قرآنی مورد استعمال حضرت امام (ره) را در وصیت نامه مرور می‌کنیم:

#### ۱.۶. شجره خبیثه

امام در خطبه آغازین وصیت نامه، پس از ذکر حدیث ثقلین و تسبیح و حمد الهی و نیز ورود بر پیامبر ﷺ و آل او بر ظالمان در حق آنان لعنت می‌فرستد و آنان را اصل شجره خبیثه می‌خواند.

تعبیر «شجره خبیثه» در سوره ابراهیم چنین آمده است:

«و مثل کلمه خبیثه کسجره خبیثه»<sup>(۱)</sup> [ابراهیم، ۲۶]. در این سوره پس از آیات مذکور، به نحو استیناف، سخن از کسانی می‌رود که نعمت خدا را از روی کفر دگرگون کردند و قوم خود را به هلاکت کشاندند:

ألم تر إلى الذين بدلوا نعمة الله كفراً وأحلوا قومهم دار البوار [ابراهیم] نتیجه بارز، دگرگون ساخت نعمت خدا و ورود به خانه هلاکت، همان مصائبی است که شمه‌ای از آن در آغاز وصیت نامه آمده است.

ایشان می‌نویسد: «از جمله مسائل اسف‌انگیزی که باید برای آن خون‌گریه کرد» [۱۱] عقب زدن «مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق است که سراسر قرآن کریم را از پیامبر صلی الله علیه و آله دریافت کرده بودند» [۱۱].

روایات متعدد معصومین علیهم‌السلام نیز بر تطبیق آیه‌های فوق یعنی شجره خبیثه و نیز تبدیل نعمت الهی بر دشمنان اهل بیت به ویژه بنی امیه تأکید می‌کند [۱۲].

#### ۲.۶. توبیخ خداوند در سوره توبه نسبت به برخی اصحاب پیامبر

امام (ره) که همواره توجه به مردم را سر لوحه اندیشه و عمل مبارک خویش داشتند، در بخشی از وصیت نامه، امت خود را برتر از ملت حجاز در عهد رسول الله ﷺ به

۱. و مثل کلمه خبیث، همانند شجره خبیث است.

دلیل بهانه‌جویی‌های آنان در برابر امر حق می‌شمارد و در این باره به توبیخ الهی در مورد آنان در سوره توبه اشاره‌ای تلمیح‌وار می‌کند و می‌گذرد.

برخی از آیات سوره توبه که متضمن این عقاب و توبیخ شدید است و در آخر به برخی از آنان وعید جهنم می‌دهد بدین قرار است:

ولو ارادوا الخروج لأعدوا له عُدَّةً ولكن كره الله انبعاثهم فنبطهم و قیل اقمعدوا مع القاعدین لو خرجوا فیکم ما زادوکم الا خیالاً و لأوضعوا خلالکم بیغونکم الفتنة و فیکم سماعون لهم والله علیم بالظالمین لقد ابتغوا الفتنة من قبل و قلبوا لک الأمور حتی جاء الحق و ظهر امر الله و هم کارهون و منهم من یقول ائذن لی و لا تفتنی ألا فی الفتنة سقطوا و ان جهنم لمحیطة بالکافرین [توبه، ۴۶ - ۴۹] (و اگر [به راستی] اراده بیرون رفتن داشتند، قطعاً برای آن ساز و برگی تدارک می‌دیدند، ولی خداوند راه افتادن آنان را خوش نداشت؛ پس ایشان را منصرف گردانید و [به آنان] گفته شد: «با ماندگان بمانید». اگر با شما بیرون آمده بودند جز فساد برای شما نمی‌افزودند و به سرعت خود را میان شما می‌انداختند و در حق شما فتنه‌جویی می‌کردند و در میان شما جاسوسانی دارند [که] به نفع آنان اقدام می‌کنند] و خدا به [حال] ظالمان داناست. در حقیقت، پیش از این [نیز] در صدد فتنه‌جویی بر آمدند و کارها را بر تو وارونه ساختند، تا حق آمد و امر خدا آشکار شد، در حالی که آنان ناخشنود بودند و از آنان کسی است که می‌گوید: «مرا [درماندن] اجازه داد به فتنه‌ام مینداز» هس دار، که آنان خود به فتنه افتاده‌اند، و بی تردید جهنم بر کافران احاطه دارد).

### ۳.۶. تعابیر قرآنی دیگر

۱- امام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این تعابیر قرآنی یاد می‌کند: حضرت بقیة الله [۱۳]: بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین<sup>(۱)</sup> [هود، ۸۶]، خاتم النبیین [۱۴]: ولکن رسول الله و خاتم

۱. باقیمانده خدا برای شما بهتر است اگر مؤمن هستید.



النَّبِيِّينَ [احزاب، ۳۰]، رسول الله ﷺ در موارد فراوان: ولكن رسول الله و خاتم النبیین [احزاب، ۴۰].

گفتنی است ترکیب «بقیة الله» در قرآن در شأن امام عصر علیه السلام نازل نشده است، لکن تعبیر و اصطلاحی است قرآنی که حضرت بدان ملقب گشته‌اند و امام (ره) نیز از میان القاب و صفات حضرت، این تعبیر قرآنی را برگزیده است.

۲- رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگی‌ها [۱۵]: و يضع عنهم اصرهم و الاغلال الّتی كانت علیهم<sup>(۱)</sup> [اعراف، ۱۵۷].

۳- و بیده ملکوت کل شیء<sup>(۲)</sup>، [یس، ۸۳]، [۱۶].

۴- و سواس خنّاسان [۱۷]: من شر الواسواس الخناس<sup>(۳)</sup> [ناس، ۴].

۵- صراط مستقیم [۱۸]: و إنک لتهدی الی صراط مستقیم<sup>(۴)</sup> [شوری، ۵۲].

۶- ان تنصروا الله ینصرکم و یتبّت اقدامکم<sup>(۵)</sup> [محمد صلی الله علیه و آله، ۷]، [۱۹].

۷- لقاء الله [۲۰]: من کان یرجو لقاء الله فان اجل الله لآت<sup>(۶)</sup> [عنکبوت، ۴].

۸- ارحم الراحمین [۲۱]: و هو ارحم الراحمین<sup>(۷)</sup> [یوسف، ۹۲].

۹- مفسد فی الارض [۲۲]: مفسدون فی الارض<sup>(۸)</sup> [کهف، ۹۴].

۱۰- انا لله و انا الیه راجعون<sup>(۹)</sup> [بقره، ۱۵۶]، [۲۳].

۱۱- یا لیتنا کنّا معکم فنفوز فوزاً عظیماً [۲۴]: یا لیتنی کنت معهم فأفوز فوزاً عظیماً<sup>(۱۰)</sup> [نساء، ۷۳].

۱۲- ان شاء الله در موارد فراوان: و لا تقولین لشیء انی فاعل ذلک غداً إلا ان یشاء

۱. و میناق‌های سنگین و اغلالی را که بر آنان بوده، از آنان فرو می‌گذارد.

۲. و ملکوت هر چیز به دست اوست.

۳. از شر وسوسه‌گر همواره پنهان شونده.

۴. و بدون شک تو به سوی صراطی مستقیم هدایت می‌کنی.

۵. اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌های شما را استوار می‌گرداند.

۶. هر کس به لقاء خدا امید دارد، پس [بداند] که قطعاً اجل خدا آینده است.

۷. و او ارحم الراحمین است.

۸. فسادکنندگان در زمین.

۹. ما برای خداییم و به سوی او بازگشت کننده‌ایم.

۱۰. کاش با آنان بودم و به فوزی عظیم نائل می‌گشتم.

۱۳- اولیاء الله الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون<sup>(۲)</sup> [یونس، ۶۲].

۱۴- ولیده علم الأسماء [۲۶]: و علم آدم الاسماء کلها<sup>(۳)</sup> [بقره، ۳۱].

برخورداری انسان از توانایی نیل به درجاتی نظیر علم الاسماء و قاب قوسین او آذنی [نجم، ۹]، موضوعی است که نظر حضرت امام (ره) را بسیار به خود جلب کرده است. همچنان که مطلع یکی از اشعار ایشان نیز بیت زیر است:

گر تو آدم زاده هستی علم الاسماء چه شد

قاب قوسین ات کجا رفته است او آذنی چه شد [۲۷]

تنها وجود چنین آرمان‌هایی است که می‌تواند از یک انسان، این همه مجاهدت و کوشش بیافریند. حضرت امام (ره) این آرمان را برای فرد و جامعه می‌خواست؛ همچنان که حکومت الهی را [تنها] یکی از آرمان‌های قرآن کریم می‌دانست [۲۸] و برای نیل به چنین آرمانی او را از هرگونه انانیت و سستی و کاستی باز داشت و به مرتبه‌ای رساند که کلامی جاوید و گهربار را در پایان وصیت نامه بر قلم جاری سازد و ما همان را نیز مسک الختام این مقال قرار می‌دهیم.

۱۵- «با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل و رحمت خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم» که اشاره به چنین آیاتی است: «یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة» [فجر، ۲۷ و ۲۸] و نیز «الا بذکر الله تطمئن القلوب» [رعد، ۲۷]. این سخنی است که تاکنون هیچ یک از رهبران سیاسی غیر از معصومین نتوانسته است ختام عملکرد خویش قرار دهد<sup>(۴)</sup>.

۱. و در مورد هیچ چیز مگو که من فردا انجام دهنده آنم.

۲. زینهار که اولیاء خدا را هیچ بیم و حزنی نیست.

۳. و به آدم، تمامی اسماء را تعلیم داد.

۴. تا خداوند، صادقان را از صدقشان پرسد. او برای کافران عذابی دردناک آماده ساخته است.

## منابع

۱. خمینی (امام): وصیت نامه حضرت امام خمینی، ج ۱، قم، انتشارات صحفی، ۱۳۶۸ش، مقدمه، ص ۱۵.
۲. همو؛ حکومت اسلامی، بی جا، بی تا، ص ۱۱۶ و ۱۱۷ و حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه، ط ۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۱۸، ص ۹۸.
۳. همو؛ وصیت نامه، مقدمه، ص ۵.
۴. همان، ص ۲۶.
۵. همان، مقدمه، ص ۹.
۶. همان، ص ۴۳.
۷. همان، ص ۴۰.
۸. همان، ص ۴۲.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان، بی جا، قم، انتشارات جامعه المدرسین، بی تا، ج ۱، مقدمه، ص ۱۲.
۱۰. خمینی (امام)، پیشین، مقدمه، ص ۳.
۱۱. همان، ص ۵.
۱۲. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بی جا، قم، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۰-۳۱۲.
۱۳. خمینی (امام)، پیشین، مقدمه، ص ۱۱.
۱۴. همان، ص ۱۴.
۱۵. همان، ص ۷.
۱۶. همان، ص ۱۱.
۱۷. همان.
۱۸. همان، متن، ص ۲۰.
۱۹. همان.
۲۰. همان، ص ۳۴.
۲۱. همان، ص ۳۷.
۲۲. همان، ص ۴۱.
۲۳. همان، ص ۴۴.
۲۴. همان، ص ۴۶.
۲۵. همان، ص ۱۴.
۲۶. همان.
۲۷. همو؛ دیوان امام خمینی، ج ۳، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳ش، ص ۹۴.
۲۸. همو؛ وصیت نامه، پیشین، مقدمه، ص ۴.